

ایام قاعدگی، روزهای دشوار زنانه

Photo: twinsterphoto/bigstockphoto.com

ماهرخ غلامحسین پور

«روزی دو بار می‌روم حمام... صبح و شب! اما باز می‌گویند بوی خاصی می‌دهی. بوی قاعدگی! عطر و ادوکلنم را خالی می‌کنم روی تن و بدنم... بارها از نزدیک‌ترین کسانم می‌خواهم توجه کنند و به من بگویند آیا بوی ناخوشایندی می‌دهم؟ تقریباً همه می‌گویند متوجه بوی خاصی نشده‌اند. اما او ول کن ماجرا نیست. هر بار دماغش را چین می‌دهد و اخم می‌کند. با اینکه می‌خندم و به شوخی برگزار می‌کنم اما نمی‌توانم انکار کنم که ته قلبم رنجیده‌ام. تمام آن روزها احساس می‌کنم به قدر کافی به من توجه نمی‌کند. کم‌محلی می‌کند، حتی حاضر نمی‌شود لمس کند. حین برداشتن یک بشقاب از داخل کابینت جوری از کنارم عبور می‌کند که با من تماس نداشته باشد. آنقدر که حس بی‌زاری و آویزان شدن ته دره و معلق شدن بین زمین و آسمان به من دست می‌دهد...»

بهناز به «سندروم قاعدگی» یا اختلال ناخوشی پیش از قاعدگی دچار است. در این روزهای خاص او حساس و زودرنج می‌شود و دردهای شکمی و مفصلی از چند روز قبل از بروز قاعدگی رهایش نمی‌کنند.

نعیمه طیبی، پزشک متخصص زنان، در مورد بوی خاص دوران قاعدگی معتقد است این بو تا حدی طبیعی است و اگر غیر قابل تحمل بود می‌تواند نشانه عفونت، رشد قارچ، باکتری یا افزایش آلودگی باشد: «باز بودن دهانه رحم، دفع خون، کم‌آب شدن بدن و همچنین محبوس بودن بخشی از بدن توسط نوار بهداشتی زمینه رشد باکتری‌ها را در ناحیه آلت تناسلی افزایش می‌دهد.»

او تأکید می‌کند دو بار شستشوی روزانه مهبل با آب ولرم، صابون و خشک کردن آن می‌تواند آلودگی و احتمال عفونت را کاهش دهد.

خشونت در دوره قاعدگی

خشونت‌هایی که در طول دوران قاعدگی متوجه زنان است، گاهی تبدیل به خشونت فیزیکی می‌شود. راضیه می‌گوید تحقیر کلامی در مقابل آنچه او را رنج می‌دهد، یک اتفاق لوکس و تزئینی است: «هشت سال است ازدواج کرده‌ایم. دو فرزند دوقلوی پنج‌ساله دارم. رفتار همسر در طول دوران قاعدگی واقعا وحشیانه است. بدون توجه به شرایطم با من نزدیکی - یا شاید بشود گفت - به من تجاوز می‌کند. سعی می‌کنم مهربان باشم، اما قاعدگی مانعی برای میل ناگهانی همسر نیست. گاهی می‌شود که یکی دو ماه اصلاً به من توجهی ندارد و گاهی هم هنگام قاعدگی چند بار سکس خشن و سخت داریم! نمی‌توانم این موضوع را با کسی در میان بگذارم. طرح این موضوع تابو است و من شهادت مطرح کردن آن را با خواهرم هم ندارم چه برسد به قاضی!»

دکتر نعیمه طیبی در این مورد می‌گوید سکس در دوران قاعدگی را اصلاً توصیه نمی‌کند: «حتی یک سکس آرام و معمولی می‌تواند احتمال بروز بیماری را افزایش بدهد، چه برسد به سکسی که همراه با خشونت باشد. رابطه زناشویی در دوران قاعدگی می‌تواند منجر به انتقال ویروس یا تب‌خال تناسلی زنان شود و عوارض ناگواری مثل درد در ناحیه مهبل ایجاد کند.»

مامک هم به برخورد خشونت‌بار مردان در طول دوران قاعدگی اشاره می‌کند. او می‌گوید: «برخورد مردها با پیرو شدن زنان گاهی همراه با تحقیر است با این جمله تکراری که باز هم که تو پیرو شدی!... گاهی با کم‌محلی و بی‌اعتنایی همراه است... یک عده سرزنش می‌کنند که چرا شما به این شرایط عادت نمی‌کنید؟...»

نوار بهداشتی کجاست؟

الهام هومین‌فر، جامعه‌شناسی که بعد از فاجعه بم برای کمک به زنان زلزله‌زده در آنجا حاضر شده، از جای خالی نوار بهداشتی در بسته‌هایی می‌گوید که به عنوان کمک بین زلزله‌زدگان توزیع می‌شد: «زن‌ها بعد از وقوع زلزله به علت استرس و فشارهای روانی، خونریزی بیشتری داشتند و با دستمال و پارچه‌های کثیف خودشان را جمع و جور کرده بودند. حتی خجالت کشیده بودند در این مورد حرف بزنند و تصور می‌کردند اگر در این مورد حرف بزنند به نوعی اظهار میل به مردان تلقی شود.»

این جامعه‌شناس معتقد است زنان بر اساس شرایط اقتصادی از امکانات بهداشتی دوران قاعدگی بهره می‌برند: «بخش‌هایی از حومه تهران زن‌هایی هستند که از خاک‌اره مابین پارچه تمیز استفاده می‌کنند. مردان خانواده یا حتی خود زنان ممکن است برای امور عادی خانواده پولی اختصاص بدهند، اما برای آنچه که به بدن زنان مربوط است هزینه‌ای تخصیص داده نمی‌شود.»

مردانی که قاعدگی را نمی‌شناسند

راضیه تجربه ناخوشایندی دارد و یک بار به خاطر لکه روی دامنش، به سختی از دست همسرش کتک خورده است: «صاحب کار شوهرم آمده بود تا با هم یخچال را جا به جا کنند. قرار بود یخچال را از زیرزمین بیاورند بالا. من تصور کردم شاید به کمک نیاز داشته باشند برای همین رفتم توی حیاط. پیرو بودم و متوجه نشده بودم که دامن سفیدم لکه خون گرفته است. وقتی آن آقا رفت شوهرم به سختی مرا کتک زد و گفت بهتر است وقت قاعدگی خودت را توی اتاق گم و گور کنی!»

الهام هومین فر از اینکه مردان ایرانی در این مورد آموزش کافی ندیده‌اند اظهار تاسف می‌کند: «آنها عصبی شدن، غمگین شدن و احساس افسردگی زنانه را که به علت تغییرات هورمونی رخ می‌دهد درک نمی‌کنند. با کلمات تحقیرآمیز وضعیت زنان را پیچیده‌تر می‌کنند. اما همه مشکل به این قضاوت صرف منتهی نمی‌شود. چون زنان در معرض ساختار تبعیض‌آمیز اجتماعی و اقتصادی قرار دارند ممکن است غذای کافی یا امکانات بهداشتی مناسب نداشته باشند. به همین دلیل در شرایط خاصی مثل دوران قاعدگی تحت فشار بیشتر قرار می‌گیرند.»

شاید مردان ایرانی باید بیاموزند که در دنیای زنانه گاهی روزهای بدخلقی یا دل‌تنگی زن‌ها تابع اعداد و رقم‌های ناگزیر تقویم است. شاید باید بدانند قاعدگی زنانه یک ضعف نیست. امری طبیعی و عادی است و وجود همین چرخه باعث شده تا حیات بشر روی زمین ادامه داشته باشد.

خشونت‌ی که به نام عشق توجیه می‌شود

Photo: Voy/ Bigstockphoto.com

صبا امیدوار

حتی خشن‌ترین، برهنه‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین چهره نظام پدرسالارانه در خانواده می‌تواند با نام عشق توجیه شود. این را من نمی‌گویم، مهرداد درویش‌پور جامعه‌شناس مقیم سوئد می‌گوید. او می‌گوید نباید به نام "عشق" به خشونت مشروعیت داد.

شب بود همسایه‌ها همه شاهد بودند که زن جیغ می‌زد، مرد داد. دست مرد و موهای زن در هم گره خورده بود، فردای آن روز اما همه چی آرام بود مرد از عشق می‌گفت و زن از گوشواره جدیدش.

جرم سکوت، همدستی با خشونت است

مهرداد درویش‌پور جامعه‌شناس مقیم سوئد از مسئولیت شخصی در خشونت خانگی می‌گوید.

می‌گوید: بسیاری از زنانی که مورد خشونت قرار می‌گیرند تحت عنوان این که عاشق هستند، می‌بخشند و یا خشونت را می‌پذیرند. شوهران خشونت‌گر آنها هم با یک هدیه و با عشق‌ورزی‌های گاه‌گاهی سعی بر عادی‌سازی خشونت دارند و در واقع خشونت را با عشق توجیه می‌کنند.

به گفته این جامعه‌شناس زنانی که خودشان قربانی خشونت هستند ولی سکوت می‌کنند و خشونت را بر ملا نمی‌کنند چه به دلیل حس گناه باشد، چه شرم و چه ترس، در عادی‌سازی خشونت نقش دارند.

بسیاری از این زنان همه نوع دلایل عاطفی می‌آورند تا خشونت را توجیه کنند.

او می‌گوید: به هیچ وجه نباید به بهانه عشق و به بهانه شرم و آبروریزی اجازه داد خشونت دائمی شود.

به گفته درویش‌پور: بسیاری از زنان حاضر نیستند که شکایت کنند، آنها از بازگویی خشونت‌ی که می‌بینند و تحمل می‌کنند برای دیگران واهمه دارند. این یکی از منحصر به فردترین و یکی از بزرگترین جرم‌های جهان است که به جای این که ضارب و یا عامل جرم احساس

شرمندگی کند، قربانی احساس شرم دارد. جرمی که قربانی جور ضارب را می‌کشد.

قدرت برهنه آزاردهنده است

از او پرسیدم که چرا زنان باید شرمسار یا توجیه کننده خشونتی باشد که علیه آنها رخ می‌دهند.

مهرداد درویش‌پور می‌گوید: زنانی که خشونت را تجربه می‌کنند تا زمانی که امکان تغییر شرایط را نداشته باشند ناگزیر به توجیه شرایط خشونت هستند.

او می‌گوید: در جامعه‌شناسی قدرت گفته می‌شود، «قدرت برهنه آزاردهنده است.»

این جامعه‌شناس می‌گوید: زن خشونت دیده نمی‌تواند به سادگی در کوچه و خیابان بگوید من بدترین و پدربسالارترین شوهر دنیا را دارم که مرتب مرا آزار می‌دهد ولی من به این زندگی ادامه می‌دهم چون کاری نمی‌توانم بکنم.

هم از این رو آنجایی که زنان امکان تغییر قدرت برهنه را نداشته باشند، سعی می‌کنند وجود آن را توجیه و پذیرفتنی کنند.

هیچ‌کس نمی‌گوید: انتخاب من یک مرد خشونت‌گر بوده است

در این مواقع زنان توجیه می‌کنند که شوهر به «استرس» یا «شرایط اقتصادی» یا مشکلات شخصی و عصبانیت به خشونت متوسل می‌شود اما آنان همچنان عاشق زنشان هستند یا از آن بدتر به بهانه آن که زن عاشق شوهر خویش است او را می‌بخشد.

این آسان‌تر است تا بگوید: «انتخاب من یک مرد خشونت‌گر بوده است.»

این جامعه‌شناس می‌گوید: هیچ‌کس تا زمانی که امکان تغییر نداشته باشد زندگی اش را به سادگی زیر سوال نمی‌برد. زمانی زنان این شرایط را زیر سوال می‌برند که امکان تغییر داشته باشند و راه فراری بیابند.

هر چقدر «استقلال اقتصادی»، «امکانات حقوقی و قانونی» و «شبکه‌های اجتماعی حمایت‌گر» مثل خانه‌های امن وجود داشته باشد و زنان قدرت بیشتری داشته باشند، شانس این که زنان روابط مبتنی بر خشونت را زیر سوال ببرند افزایش می‌یابد.

به گفته درویش‌پور، هم جنبه‌های افزایش هنجارهای قدرت یا منابع ارزشی قدرت نظیر باورها و آگاهی، هم منابع جبری قدرت «مانند قانون» و هم منابع اقتصادی قدرت همچون استقلال اقتصادی کمک می‌کند تا زنان بتوانند این دور باطل را ساده تر بشکنند و به خشونت تن ندهند.

او معتقد است، بسیاری از زنان تحت عنوان «عشق»، خشونت و زندگی پدر سالار را توجیه می‌کنند.

وقتی خشونت عادت می‌شود

مهرداد درویش‌پور جامعه‌شناس به یک نکته کلیدی اشاره می‌کند که همه تحقیقات نشان از آن دارد.

او می‌گوید بسیاری از زنانی که به زندگی مبتنی بر خشونت ادامه می‌دهند، یا به دلیل وابستگی اقتصادی یا به دلیل نداشتن امکانات حقوقی و قانونی و یا به دلیل هنجارهای اجتماعی، نیروی عادت یا سطح توقع پایین از حقوق زنان به آن ادامه می‌دهند.

این جامعه‌شناس در تعریف «هنجارمند شدن خشونت این‌گونه می‌گوید: زمانی که خشونت هیچ قبچی نداشته و دائماً تکرار می‌شود. چنین فرایندی را در تئوری‌های فمینیستی «عادی سازی خشونت» می‌خوانند.

به گفته او، در واقع فرد خشونت‌دیده فراگرفته یا پذیرفته است که خشونت بخشی از زندگی خانوادگی است. برای مثال کودکی که با خشونت روبرو است و یا دائماً شاهد خشونت پدر علیه مادر است، آن را بخشی از نرم زندگی شناخته و خود در آنرا زندگی آینده دنبال می‌کند.

درویش‌پور می‌گوید: برای شکستن چرخه «هنجارمند شدن خشونت خانگی صرف‌نظر از تغییر ساختارهای حقوقی و قانونی یا تغییر موقعیت زنان و افزایش استقلال اقتصادی آنها، آگاه‌سازی جنسیتی و فمینیستی و تغییر هنجارها و طرز تلقی‌ها نیز ضروری است. آگاهی از این بابت که خشونت ناپود کننده عشق در خانواده است و پایداری خانواده مبتنی بر خشونت ممکن است به نفع مرد باشد ولی به شدت به ضرر زنان و کودکان است.

از این رو باید با نقد این ارزش‌ها، عادات و فرهنگ، این نوع طرز تلقی‌ها به چالش کشیده شود.
